

فصل اول: کلیات طرح

1-1 تعریف مسئله

2-1 اهمیت و ضرورت تحقیق

3-1 پیشینه تحقیق

4-1 مراحل تحقیق

5-1 روش تحقیق

6-1 محدودیت ها و مشکلات تحقیق

7-1 سؤالات تحقیق

8-1 فرضیات تحقیق

پیشگفتار

در تفکر دینی، انسان خلیفه و جانشین خداوند است و تکریم و احترام به انسان تکریم خداوند است زیرا تبارک الله احسن الخالقین است و این قداست انسان و جایگاه حقوقی برجسته اش اختصاصی به مردان ندارد بلکه شامل همه ی جنس بشریت است؛ با آنکه کرامت و احترام از آن انسانها اعم از زنان و مردان است لیکن سوگ مندانه باید اعتراف کرد که زنان به عنوان بخش‌های آسیب پذیر، تقریباً در تمامی جوامع در طول تاریخ مورد انواع ظلم و بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند. این داستان زمانی به يك درام غم انگیز و تحمل‌نشده تبدیل می‌شود که بر پایه‌های دین و علم توجیه شود. در غرب تا مدتهای مدید، این بحث مطرح بود که آیا زن انسان است یا خیر؟ در قرن پنجم یا ششم میلادی در یک مجمع مهم، تصویب شد که زن هم انسان است اما برای خدمت به مردان آفریده شد.

بی تردید ستم‌های روا شده بر زن، از بزرگترین و کهن‌ترین ستم‌های تاریخ بشری است. هرچا پیام دین بدرستی دریافت یا اعمال نشده، زنان مورد ستم بوده‌اند. اکنون هم، زمان زیادی نگذشته که دنیا به حقوق زن توجه کرده است؛ حتی در قرن 18 میلادی فعالیت زنان را در خارج از خانواده، برای نظم عمومی خطرناک شمردند و زنان را از هر فعالیتی در خارج از خانه ممنوع کرده‌اند.

امروزه اگر کشوری درصد ارائه‌الگویی مطلوب و اسلامی از يك جامعه کاملاً ارزشی و دینی است، باید در حقوق زنان سخن متعالی را به ارمغان آورد و این مسیر نمی‌شود مگر آنکه حقوق زن در قوانین، جایگاه واقعی خویش را پیدا کند.

جریان دفاع از حقوق زن در قالب فقه سنتی و در چارچوب آموزه‌های دین در بین فقیهان و اندیشمندان امامیه نیز از

چند دهه قبل آغاز شده است و ادامه دارد. در میان قوانین موضوعه‌ی کیفری ایران، پارهای از احکام و قوانین با نظر مشهور فقهاء انطباق دارد؛ گاهی هم فقهای تیزبینی در مقابل نظر مشهور ایستاده و نظراتی را که قانونگذار از آن تبعیت کرده را با مبانی مستدل و فقهی مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند که جای تأمل دارد و میتواند در اصلاح حقوق کیفری زنان کارگشا باشد.

با توجه به گستردگی این مقوله، به ناچار مجبور شدیم مسائل مهمی را حول پنج موضوع در 7 فصل بیاوریم چرا که این موضوعات نقش کلیدی در شکل گرفتن حقوق زنان دارد و البته همواره این مسیر مستلزم همدلی و همراهی سیاستمداران و برنامه‌ریزان کشور می‌باشد به امید آنکه شاهد تحولاتی باشیم و عنایت حضرت حق و ولی عصر(عج) همواره شامل حال ما باشد..

نگارنده ضمن اذعان به گستردگی کار و بضاعت علمی ناچیز خود از همین ابتدا به جهت کاستی این تحقیق پوزش می‌طلبد. قبل از ورود به بحث لازم است در خصوص این تحقیق اشاراتی به زوایای مختلف آن در قالب موضوعات زیر گردد.

1-1 تعریف مسئله

در قانون مجازات اسلامی ایران و مبانی فقهی مباحث و موضوعاتی در رابطه با حقوق زنان وجود دارد که وضعیت متفاوت زن و مرد را در احکام و قوانین نشان می‌دهد از جمله این موضوعات قصاص زن و مرد، قتل در فراس توسط شوهر، احراز رشد در مسئولیت کیفری دختران، دیه زن و مرد، مجازات پدر و مادر در قتل فرزند؛ در این نوشتار در پی آن هستیم تا در خصوص این مباحث به طور کلی بحث کنیم و در

خصوص بهبود وضعیت حقوق کیفری زنان به ارائه راهکارها و پیشنهادهایی بپردازیم.

1-2 اهمیت و ضرورت تحقیق

واقعیت آن است که پاره‌ای از احکام و قوانین ما به ظاهر ناسازگار با عدالت به نظر می‌رسد و پرسش‌های فراوانی را فراروی ذهن پرسشگر نسل حاضر به ویژه زنان جامعه اسلامی ایجاد می‌کند که این موضوع با وجود اعتقاد جهان شمولی و عدالت گستری دین مبین اسلام برای جویندگان و تشنگان عدالت قابل توجیه نمی‌باشد و این کار قطعاً مستلزم تفسیری نو نسبت به بسیاری از آموزه‌های اسلام است که با مقتضیات عصر همخوانی داشته باشد. خوشبختانه آرای بعضی از فقهای معاصر در این ارتباط نقش کلیدی در روند اصلاح حقوق کیفری زنان دارد؛ به این شکل با تفسیری نو و همخوان با مقتضیات عصر حاضر میتوان ذهن پرسشگر نسل حاضر به ویژه زنان جامعه اسلامی را پاسخگو بود.

1-3 پیشینه تحقیق

اینجانب در راستای تحقیق مزبور که به بررسی حقوق کیفری زنان در فقه شیعه و حقوق موضوعه ایران و در بعضی از فصول فقه اهل سنت و قوانین کشورهای دیگر می‌پردازد، به اساتید دانشگاه بخصوص استاد راهنما مراجعه کرده و نظر آنها را در این زمینه جویا شدم و در انتهای رساله یکسری راهکارها و پیشنهادهای را برای بهبود وضعیت حقوقی زنان مزبور ارائه دادم.

البته لازم به ذکر است از جمله مهم ترین کتب در راستای انجام تحقیق مزبور، کتاب بازپژوهشی حقوق زن از آقای ناصر قربان نیا و مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی، موازین بین المللی دکتر حسین مهرپور و نظام

حقوق زن در اسلام از استاد شهید مرتضی مطهری، زن در آئینه جمال و جلال از آیت الله جوادی آملی و هم چنین تحریرالوسیله روح الله موسوی خمینی، مبسوط و نهاییه شیخ طوسی، جواهر الکلام شیخ محمد حسن نجفی، وسایل الشیعه حر العاملی و... می باشد.

همچنین از یکسری پایان نامهها که مرتبط با حقوق کیفری مختلف زنان بود هم استفاده کردم از جمله قتل همسر و اجنبی، آثار حقوقی-جزائی آن از آقای محمد خلیلزاده یوشانلویی از دانشگاه آزاد اسلامی، حمایت کیفری از زنان در برابر خشونت خانوادگی از خانم سمیه حسامی از دانشگاه تربیت مدرس، جایگاه زن در حقوق کیفری ایران و فقه عامه از آقای فریبرز اسدی تاجانی از دانشگاه امام صادق (ع)، پایان نامه قتل در فراش حسین بابایی دانشگاه تربیت مدرس... می باشد. اما پایان نامهی را که از زوایه مزبور به مطلب پردازد را یافت نکردم. البته هنوز جای بحث برای سایر محققان محترم وجود دارد.

4-1 مراحل تحقیق

بعد از بررسی و استفاده از کتب معروف و منابع مربوطه در رابطه با حقوق کیفری زنان در فقه و حقوق، فصول تحقیق به شرح ذیل بیان شود:

به طور کلی پایان نامه مشتمل بر 7 فصل می باشد: فصل اول که همین کلیات تحقیق می باشد عبارتند از: تبیین موضوع و اهمیت و ضرورت تحقیق و پیشینه آن و شیوه ی تحقیق و بررسی و هم چنین محدودیت ها و مشکلات و سوالات و فرضیات تحقیق.

فصل دوم در رابطه با عنوان مبانی نظری تفاوت زنان و مردان می‌باشد که مشتمل بر 7 گفتار که عبارتند از:

نارسایی در فهم جایگاه و منزلت زنان، شبهه نقصان عقل، عدم مرز بندی میان تفاوت و تبعیض، رعایت مصلحت زنان، تفسیر برتری مرد بر زن در مسئله‌ی قیمومت، فقدان نگرش جامع فقهی و حقوقی، توجیه اقتصادی برای تفاوت‌ها.

فصل سوم در رابطه با تفاوت قصاص زن و مرد در فقه و حقوق ایران می‌باشد که مشتمل بر دو گفتار می‌باشد که عبارتند از: مبانی تفاوت قصاص زن و مرد و بررسی این مبانی.

فصل چهارم در رابطه با بررسی تفاوت مجازات پدر و مادر در قتل فرزند می‌باشد که شامل 3 گفتار می‌باشد که عبارتند از: قتل فرزند توسط مادر در حقوق، مجازات کشتن فرزند از دیدگاه فقها، بررسی ادله تفاوت مجازات پدر و مادر در قتل فرزند.

فصل پنجم در رابطه با سیري در مبانی فقهی و حقوقی ماده 630 قانون مجازات اسلامی می‌باشد که شامل 5 گفتار می‌باشد که عبارتند از: ماده 630 قانون مجازات اسلامی و سابقه تاریخی، تفاوت ماده 179 قانون مجازات عمومی با 630 قانون مجازات اسلامی، تحلیل ماده 630 قانون مجازات اسلامی و شرایط ثبوت آن، مستندات فقهی حکم موضوع ماده 630، بررسی حکمت و علت حکم ماده 630 قانون مجازات اسلامی، اثبات موضوعی قتل در فراش.

فصل ششم در رابطه با بررسی تفاوت دیه زن و مرد در قانون مجازات اسلامی و مبانی فقهی آن می‌باشد که شامل 2 گفتار می‌باشد که عبارتند از: دیه و مقدار آن در مورد زن و مرد، بررسی دلایل دیه زن و مرد.

فصل هفتم که در رابطه با احراز رشد در مسئولیت کیفری دختران می‌باشد شامل 2 گفتار می‌باشد که عبارتند از: **تبیین مفهوم رشد، مبانی احراز رشد در مسئولیت کیفری؛ هم چنین در پایان رساله بیان نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها می‌باشد.**

1-5 روش تحقیق

گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای شده است. تمام فصول تحقیق مزبور از طریق بررسی

کتاب فقهی و حقوقی در این زمینه به شیوه‌های کتابخانه‌ای و فیش برداری موضوعات مربوط، دسته بندی تنظیم و تدوین شده است

روش پژوهشی در این نوشتار کتابخانه‌ای-توصیفی بوده و برای ساماندهی آن دو مرحله سپری شده است نخست با جستجو در منابع مرتبط، اطلاعات لازم گردآوری و سپس به تحلیل فقهی و حقوقی اطلاعات جمع‌آوری شده پرداخته می‌شود.

6-1 محدودیت ها و مشکلات تحقیق

مطالعه و بررسی حقوق زنان با روش کتابخانه‌ای به تنهایی نمی‌تواند نتایج درست و مطلوبی به دست دهد؛ بلکه سزاوار است با یک نگاه جامعه شناختی حقوقی به آثار تغییر قوانین نیز توجه شود. چرا که ممکن است وضع یک قانون، حق زن را در یک مسأله تامین کند، ولی به جهاتی، ناهنجاری دیگری را در جامعه افزایش دهد.

1-7 سوالات تحقیق

1- آیا زن و مرد باید در قصاص برابر باشند یا اینکه قصاص مرد به دلیل قتل عمدی زن، مشروط به پرداخت نصف دیه به او باشد؟

2- آیا مادر در قتل فرزند باید قصاص شود؟

3- آیا دیه زن و مرد برابر باشد؟

4- آیا اعمال ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی برای جامعه فایده دارد یا اینکه تالی فاسد دارد و سبب اشاعه دادگستری خصوصی می شود؟

5- با توجه به متن قانونگذار که سن رشد را برای دختران نه سال قرار داده آیا رشد واقعاً یک مفهوم مطلق است و یا به حسب اشخاص، زمان، مکان و شرایط خاص، متغیر نسبی خواهد بود؟

8-1 فرضیات تحقیق

1- قصاص مرد به دلیل قتل عمدی زن، مشروط به پرداخت نصف دیه به مرد نباشد.

2- مادر نیز همانند پدر از قصاص بخاطر قتل فرزند معاف باشد.

3- زن و مرد در دیه برابر باشند.

4- اعمال ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی برای جامعه مفید فایده نباشد بلکه تالی فاسد دارد و سبب اشاعه دادگستری خصوصی می شود.

5- احراز رشد، شرط تحقق مسئولیت کیفری است و به حسب اشخاص، زمان، مکان و شرایط خاص، یک متغیر نسبی است.

فصل دوم :

مبانی نظری تفاوت

زنان و مردان

1-2 نارسایی در فهم جایگاه و منزلت زنان

2-2 شبهه نقصان عقل

3-2 عدم مرز بندی میان تفاوت و تبعیض

4-2 رعایت مصلحت زنان

5-2 تفسیر برتری مرد بر زن در مسئله ی قیمومت

6-2 فقدان نگرش جامع فقهی و حقوقی

7-2 توجیه اقتصادی برای تفاوتها

2-1 نارسایی در فهم جایگاه و منزلت زنان

در میان مکاتب باستان و دانشمندان قدیم کم نیستند مکاتب و کسانی که زن را در مرتبه انسانی هم‌تای مرد نمی‌دانند. در یونان باستان برخی بر این اعتقاد بودند که زنان پلیدتر و خوارتر از حیواناتند، و حتی برخی زن را از سلاهی شیطان میدانستند. سقراط، فیلسوف بزرگ یونان وجود زن را منشأ انحطاط بشریت می‌دانست. ارسطو بر این باور بود که زن چیزی نیست مگر مرد ناکام، خطای طبیعت و حاصل نقصی در آفرینش^۱. به عقیده ی ارسطو، طبیعت آنجا که از آفریدن مرد ناتوان است زن را می‌آفریند. زنان و بندگان بنا بر طبیعت، محکوم به اسارتند و هرگز سزاوار در کارهای عمومی نیستند^۲. کتاب مقدس یهودیان، حوا را عامل گناه اولیه ی آدم و مسئول خروج وی از بهشت می‌داند. مردان یهودی در دعای صبحگاهی خدای را سپاس می‌گویند که آنها زن را نیافرید.

مسحیت کلیسایی نیز متأثر از آیین یهود و دیدگاه‌های رومی و یونانی، زن را عامل گناه اولیه ی انسان می‌دانست. به اعتقاد مسیحیان گناه اولیه ی آدم سبب شد که این گناه در گوهر همه انسان‌ها سرشته شود؛ بنابراین همه انسانها به جز عیسی مسیح (ع) و مریم (س) با گناه متولد میشوند و بدین ترتیب نقش زن (حوا) در گناه تمامی انسان‌های روی زمین مشخص میشود. مذموم بودن ازدواج در میان روحانیان مسیحی و میل به مجرد نیز از پلید بودن ارتباط با زنان ناشی می‌شود^۳.

توماس آکویناس پر آوازه ترین دانشمند مسیحی در قرون وسطی نیز بر این باور بود که زن با نخستین مقصود طبیعت

^۱ - ر. ک: گری بنوات، زنان از دید مردان، ترجمه ی محمد جعفر پوینده، تهران، جامی، صص 45 و 47.

^۲ - ویل دورانت، لذات فلسفی، ص. 148.

^۳ - ر. ک: گری بنوات، پیشین، ص 8.

یعنی کمال جویی منطبق نیست، بلکه با دومین مقصود طبیعت
یعنی بد شکلی و فرتوتی انطباق دارد^۴.

برخورد عملی با زنان نیز بر همین دیدگاه استوار بود. در
قانون انگلیس، زن مملوک مرد محسوب میشد و میتوانست هر وقت
که بخواهد او را بفروشد.

قابل انکار نیست که چنین افکار انحرافی و جاهلانه نسبت به
زن در مشرق زمین و میان مسلمانان نیز وجود داشته
است. مرتضی مطهری درباره ی سبقت غربی‌ها چنین می‌گوید:
ناقص الخلقه بودن زن پیش از آنکه در میان مردم مشرق مطرح
باشد، در غرب مطرح بوده است. غربیان در طعن به زن و
ناقص خواندن وی بیداد کرده‌اند. گاهی از زبان مذهب و
کلیسا گفته‌اند: «زن باید از این که زن است شرمسار
باشد»؛ گاهی گفته‌اند: «زن همانند موجودی است که گیسوان
بلند دارد و عقل کوتاه»؛ «زن آخرین موجود وحشی است که
مرد او را اهلی کرده است»، "زن برزخ میان حیوان و انسان
است و ..»^۵.

این نارسایی در فهم جایگاه زنان متأسفانه در بعضی از
نویسندگان اسلامی هم گاهی مشاهده می‌شود در حالیکه ارزش و
منزلت زن در اسلام را باید از آیات صریح قرآن کریم و
دیگر منابع معتبر به دست آورد. خداوند بزرگ در موضوع
خلقت زن و مرد تصریح می‌ورزد که زنان را از همان سرشت
مردان آفریده است.

«همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس
خود او قرار دادیم»^۶ و «خداوند از جنس شما برای شما همسر

^۴ - همان، ص 57.

^۵ - مطهری، مرتضی، نظام حقوقی زن در اسلام، ص 160.

^۶ - نساء / 1.

آفرید»^۷. به قول مطهری در قرآن از آنچه در بعضی از کتب مذهبی است که زن از مایه‌های پست تر از مایه مرد آفریده شده یا به زن جنبه طفیلی و چپی داده و گفته‌اند که همسر آدم، اول از اعضای طرف چپ او آفریده شده خبری نیست. در اسلام نظریه‌ی تحقیرآمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد»^۸.

پس چگونه می‌توان توهم کرد شخصیت خلقتی زن متفاوت از مرد است؟ آیا می‌توان استعداد‌های روحانی و معنوی انسان‌ها اعم از زن و مرد را به عنوان معیار شخصیت و منزلت آنان نادیده انگاشت؟ آیا ارزش‌های همچون علم و ایمان، عزت، کرامت، عرفان، و عمل صالح، شخصیت آدمیان را می‌سازند یا جنسیت آنان؟ اگر به عناصر ایمان و معرفت و تقوا و عمل صالح به عنوان ضابطه باور داریم، به تصریح قرآن کریم هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. هدایت، عمل دنیوی، پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست. اصول دین ناظر به سه اصل مبدأشناسی، پیامبرشناسی و معادشناسی است که در فهم هیچ کدام از این سه، جنسیت دخالتی ندارد.

آیت‌الله جوادی آملی در فصل نخست کتاب «زن در آیینه جلال و جمال» بر متفاوت نبودن شخصیت زن و مرد چنین استدلال می‌کند که بر اساس آموزه‌های دینی، اصالت با روح آدمی است نه بدن، تمامی حقیقت انسان روح اوست، اگر چه بدن نیز ضروری است. حال آنکه جنسیت امری بدنی است و روح که حقیقت انسان را می‌سازد جنسیت ندارد، روح موجودی مجرد است که مذکر و مؤنث ندارد و در دین نیز سخن از تزکیه و روح است و قرآن نیز برای تعلیم و تزکیه جان آدمی نازل شده است. اگر جسم در انسانیت انسان به عنوان تمام ذات یا

^۷ - سوره‌های نساء، نحل، و روم.

^۸ - مرتضی مطهری، پیشین، ص 117.

جزء ذات می داشت، ممکن بود از حیث ارزش میان زن و مرد تفکیک قائل شد؛ اما قرآن کریم حقیقت هر انسان را روح او دانسته و بدن را ابزار می داند.

وی بر همین پایه می‌گوید دعوت الهی شامل همه انسان‌ها است و جنسیت هیچ‌گونه مداخلیتی در خطابات الهی ندارد؛ چون خطاب با جان انسان‌ها است و جان نه مذکر است نه مؤنث، افزون بر اینکه جنسیت به تن آدمی مربوط است و تن محل فضایل و معارف نیست.

اگر به عناصر ایمان، معرفت، تقوا و عمل صالح به عنوان ضابطه باور داریم، به تصریح قرآن کریم هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. هدایت، عمل دنیوی، پاداش اخروی و قرب الهی به هیچ‌روی به جنسیت ارتباط ندارد.^۹ خداوند که انسان را خلیفه خود^{۱۰}، مسجود ملائکه^{۱۱}، و امانت‌دار الهی^{۱۲} می‌شناسد و قرآن را برای هدایت او فرو فرستاده، هرگز تفاوتی بین زن و مرد در این جهات قائل نشده است.

قرآن کریم حتی در داستانهای بزرگ انسانی، از زنان بزرگی که در ساختن تاریخ ایفای نقش کرده‌اند به نیکی یاد کرده است. همسران آدم و ابراهیم، و مادران موسی (ع) و عیسی (ع) نمونه‌هایی از زنان مورد تکریم و تجلیل در قرآنند. اگر از همسران و نوح (ع) و لوط (ع) به عنوان زنان ناشایست یاد می‌کند «خدا مثل زد بر کافران زن نوح و زن لوط را، که تحت فرمان (نوح و لوط) دو بندهی صالح ما بودند و با آنها نفاق و خیانت کردند...»^{۱۳} از همسران فرعون به عنوان بزرگ‌زنی که در عین همسری فرعون، شخصیت و کرامت خویش را از یاد نبرد،

^۹ - نخل / 97، احزاب / 35.

^{۱۰} - بقره / 30.

^{۱۱} - بقره / 34.

^{۱۲} - احزاب / 72.

^{۱۳} - تحریم / 10.

یاد فرمود: "و باز خداوند مثل میزند برای مومنان (آسیه) زن فرعون را هنگامیکه (از شوهرش بیزاری جست) عرض کرد خداوندا (من از قصر فرعون و عزّ دنیوی گذشتم) تو برای من خانه ی در بهشت بنا کن و مرا از شرف فرعون کافر و کردادش و از قوم ستمکار او نجات بخش"^{۱۴}.

قرآن حتی از شایستگی و کمال زنی مانند «بلقیس» در دنیای قدیم سخن می‌گوید که با درایت و شایستگی خاصی لشکر «سباء» را با دموکراسی و نظام شورایی اداره می‌کرده است.^{۱۵} در تعبیر قرآن کریم عفاف مریم (س) از تعبیر عفت یوسف (ع) لطیفتر است. «و یاد آر عمل مریم دخت عمران را که رحمش را پاکیزه داشتیم»^{۱۶} و در مبارزه در برابر ستم، ذکر مادر موسی، خواهر موسی و همسر فرعون از زیبایی ویژه ای برخوردار است.

چندین آیه قرآن مقام والای مریم (ع) را تبیین نموده، او را ستوده است: «و یاد آر عمل مریم دخت عمران را که رحمش را پاکیزه داشتیم، آنگاه در آن روح قدسی خویش بدمیدیم که آن مریم (ع) تصدیق کرد کلمات پروردگار خود و کتب آسمانی را با کمال ایمان، و از بندگان فرمانبردار ما بود»^{۱۷}، «پس خداوند او را به نیکویی پذیرفت و او را به ترتیبی نیکو پرورش داد... و آنگاه فرشتگان گفتند ای مریم همانا خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان جهان برتری بخشید... ای مریم، فرمانبردار پروردگارت باش نماز را با اهل طاعت بجای آر»^{۱۸}.

^{۱۴} - تحریم / 11.

^{۱۵} - نحل / 34 و 35.

^{۱۶} - تحریم / 12.

^{۱۷} - تحریم / 12.

^{۱۸} - آل عمران / 37، 42، و 43.

قرآن کریم درباره ی آن بزرگوار می‌گوید که در محراب عبادت همواره ملائکه با وی سخن می‌گفتند. مقامات معنوی وی بدانجا رسیده بود که زکریا را به حیرت فرو برده بود. مریم (س) فاقد مقام رسالت است، اما کرامت شگفت‌انگیزی دارد. جالب است که زکریای پیامبر (ع) به هنگام بشارت فرزند، نشانه‌ی تصدیق طلب کرد: «قال رب اجعل لی آیه»^{۱۹} ولی مریم بدون نشانه، تصدیق فرمود، اگرچه طلب نشانه برای زکریا نیز باری نیل به مقام طمانینه بود.

بر اساس متون دینی ما، زنانی چون حضرت خدیجه (س) و حضرت فاطمه (س) شخصیتی برتر از مردان داشتند. در روایتی که مجلسی نقل کرده است، حضرت ولی عصر (عج) زهرا را مقتدای خویش دانسته است.^{۲۰} به جز معصومان کدامین مرد در شخصیت و منزلت به پای خدیجه می‌رسند؟ غیر از پیامبر (ص) و علی (ع) کدام مرد شخصیتی چون زهرا دارد؟ زهرایی که نسل پیامبر (ص) از وجود او دوام یافت و وقتی قریشیان بعد از فوت فرزند ذکور پیامبر (ص) یعنی ابراهیم از ماریه‌ی قبطیه در سال دوم هجری او را ابتر نامیدند، سوره ی کوثر در تکریم او نازل شد.

پاره‌ای از نظریه‌های بسیار تحقیق‌آمیز بدواً در دنیای غیراسلامی مطرح شده است و مع الأسف در افکار برخی نویسندگان مسلمان نیز جای گرفته است که گاه آن اندیشه‌ی ناصواب را به ناحق بر پایه‌ی روایاتی بر دین مبتنی دانسته‌اند. نسبت به زن گفته‌اند که عنصر گناه است. او است که مرد را به گناه، انحراف و کجروی می‌کشاند؛ حتی گفته‌اند که در بهشت، شیطان نخست حوا را فریفت، سپس او آدم را به بیراهه کشاند.

^{۱۹} - مریم / 10.

^{۲۰} - "فی ابنه رسول الله لی أسوه حسنه" المجلسی، محمد باقر. بحار الانوار، ج 53، ص 180.

غزالی در کتاب «احیاء علوم الدین» این نکته را به عنوان روایت نقل می‌کند که «زنان نیمی از ارتش شیطانند» یا این که «زن تماماً بدی است و بدتر این که گریزی از او نیست». بنظر می‌رسد بی تردید این چنین دیدگاهی نمی‌تواند مطابق نظر اسلام باشد. مطلبی که با قرآن کریم منافات صریح دارد را نمی‌توان روایت پنداشت.

داستان آدم و حوا به صورتی بسیار روشن و شفاف در قرآن کریم آمده است، قرآن تصریح می‌کند: به آدم گفتیم خودت و همسرت در بهشت سکنی گزینید^{۲۱} و از میوه‌های آن بخورید. هر جا سخن از وسوسه و فریب شیطان است، قرآن ضمیر را به صورت تثنیه آورده و هر دو را مقصر می‌داند: «فوسوس لهما الشیطان»، شیطان آن دو را وسوسه کرد^{۲۲}.

قرآن بر خلاف آرا و نظرات فلسفی و مذهبی زمان خود و برخلاف عادات و رسوم زمان‌های متأخر، شخصیت زن و مرد را در حقیقت و ذات انسانی یکی می‌داند. هیچ نسبتی میان کمال و جنسیت وجود ندارد. زن و مرد هر دو استعداد ارتقاء و انحطاط را دارند.

بالاترین مقام انسانی که عبارت است از مقام خلیفة اللہی، اختصاص به مردان ندارد. مقام خلیفة اللہ مقام انسانیت است نه مقام مردان «انی جاعل فی الارض خلیفه»^{۲۳} محور تعلیم و تعلم و تربیت و تزکیه نیز جان آدمی است نه بدن او. با این وجود چگونه می‌توان روایتی را که زن را مانع سعادت آدمیان بلکه مایه انحراف و کجروی آنان می‌داند، از معصوم آگاه به حقایق دانست؟

^{۲۱} - اسکن انت و زوجک الجنه .

^{۲۲} - اعراف / 20 .

^{۲۳} - بقره / 30 .

چنین روایتی نه تنها با عمومات و اطلاقات قرآنی تناسب ندارد، بلکه با روایات دیگری صراحتاً منافات دارد. در روایاتی زن مورد ستایش قرار گرفته است؛ مثلاً جمله‌ی معروف حضرت علی (ع) که می‌فرماید: «المرأة ريحانة و ليست بقهرمانه» زن گلی خوشبوست و قهرمان نیست. اگر زن گل خوشبو است چگونه شر می‌شود و وسیله گمراهی؟

در زمانی که اعراب از داشتن فرزند دختر خشمگین، عبوس و سرافکنده می‌شدند، پیامبر (ص) فرمود: «بنوکم برکات و بناتکم رحمه» یعنی پسران شما برکاتند و دختران شما رحمت! وقتی دختر رحمت است، آیا می‌توان او را ارتش شیطان دانست؟ پیامبر خدا (ص) حب النساء را از اخلاق انبیاء میدانند و زن را یکی از سه چیز مورد علاقه خویش می‌دانند. آیا پیامبران موجود ناشایستی را که ارتش شیطان را می‌سازد محبوب خود قرار دهند؟

به نظر می‌رسد آنچه را که غزالی هم به عنوان روایت نقل کرده است «زنان نیمی از ارتش شیطانند» از جعلیات و اسرائیلیات باشد^{۲۴}، زیرا در داستان خلقت در تورات چنین آمده است که شیطان نخست حوا را فریب داد و حوا آدم را فریفت؛ اما در قرآن هرگز چنین مطلبی نیامده است؛ بلکه داستان آفرینش در کتاب الهی، بر فریفته شدن زن و مرد تأکید می‌کند: «فازلّهما الشیطان فاخرجهما مما كانا فیه»^{۲۵}، بنابراین روایاتی که زنان را نوعی ابزار شیطانی می‌دانند، در واقع با تورات تحریف شده همخوانی دارند و نه قرآن کریم.

^{۲۴} - اسرائیلیات به روایات جعلی اطلاق می‌شود که توسط یهودیان جدید الاسلام به منابع روایی ما وارد شده است. در صدر اسلام گروهی از این افراد همچون "کعب الاحبار" و "تمیم داری" به نقل روایات و داستان‌هایی می‌پرداختند که مشابه متون مقدس یهود و نصارا بود و با معارف قرآنی و روایی سازگاری نداشت.

^{۲۵} - بقره / 36. پس شیطان بلغزش افکند آندو را که از آن درخت خوردند و به این عصیان آندو را از بهشت بیرون کردیم.

2-2 شبهه نقصان عقل

در برخی از منابع اسلامی احادیثی یافت می شود که به ظاهر سخن از نقصان عقلی زنان به میان آورده است.^{۲۶} در میان احادیث، سخن منسوب به امام علی (ع) در نهج البلاغه معروف - تر از دیگر روایات است.^{۲۷}

نسبت به این روایات از سوی متفکران مسلمان مواضع مختلفی اتخاذ شده است. برخی آن را مطابق اسلام دانسته و واقعیات اجتماعی را سازگار با آن می دانند. پارهای اصولاً منکر صدور این حدیثند و با ضعیف دانستن سند آن، پرونده بحث را مختومه دانسته اند.

مرحوم مطهری پس از بحثهای مفصل پیرامون حدیث، با تأکید بر این که روایت فاقد سند صحیح است، نیازی به توجیه آن نمی بیند، «به هر حال برای ما خیلی هم ضرورت ندارد نسبت به این مطالبی که حالا عجالتاً از نظر سند نمی توانیم آن را اثبات کنیم یک توجیه کافی و کاملی برای آن بکنیم»^{۲۸}.

گروهی دیگر از نویسندگان، حدیث نهج البلاغه را از آنجا که پس از جنگ جمل و در انتقاد از عملکرد فتنه گران صادر شده است ناظر به شخص خاص (عایشه) می دانند، پس نمی تواند بیانگر توصیفی عام از وضعیت زنان باشد. استاد مطهری تصریح می کند که «همه شارحان نهج البلاغه گفته اند این جمله تعریضی به عایشه است و تعریض به کسانی که از عایشه پیروی کرده اند»^{۲۹}.

^{۲۶} - ر.ک نهج البلاغه، خطبه 79؛ محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج 27، ح 33756؛ همچنین ر. ک: نهج البلاغه، نامه 14.

^{۲۷} - اما نقصان عقولهن فشهاده امرأتین منهن کشهاده الرجل الواحد، ایاک و مشاوره النساء فان رایهن الی افن و عزمهن الی و هن و و.

^{۲۸} - ر.ک: زن و جامعه در نگرش استاد مطهری، پیام زن، سال اول، ش 7، مهر 1371، ص 11.

^{۲۹} - ر.ک: همان.

در کتاب آئینه ی جلال و جمال گفته شده است: «گاهی حادثه یا موضوعی در اثر یک سلسله عوامل تاریخی، زمان، مکان، افراد، شرایط، و علل و اسباب آن، ستایش یا نکوهش میشود. معنای ستایش یا نکوهش بعضی حوادث یا امور جنبی حادثه، این نیست که اصل طبیعت آن شیء، ستایش یا نکوهش شده است، بلکه احتمال دارد زمینه ی خاصی، زمینه ی این ستایش یا نکوهش شده است.

این نکوهش نهج البلاغه راجع به زن ظاهراً به جریان حمل بر می‌گردد؛ روایتی که وارد شده، یک قضیه ی حقیقیه راجع به کل زنان نیست. تقریباً نظیر قضیه شخصیّه یا قضیه خارجیّه است. اصل قضیه این است که عایشه، جنگ حمل را به راه انداخت، در جریان جنگ حمل، وقتی عایشه سوار بر شتر شد و طلحه و زبیر و دیگران را تحریک کرد، و خونهای فراوانی ریخته شد و سرانجام شکست خورد، امیرالمؤمنین این سخنان را بیان فرمود^{۳۰}.

اشکالی که بر این توجیه میتوان وارد کرد این است که روایت مشتمل بر تعلیل و ضمیر جمع مؤنث است، بنابراین مشکل است که بتوان آن را بر شخص خاصی حمل کرد. اگر کسی از اشکال سندی صرف نظر کند و روایت را صادر شده از سوی امام بپندارد، به دشواری میتواند بپذیرد که امام علی (ع) اقدامات فتنه گرانه یک فرد را بهانه‌ای برای بیان حکم عام قرار داده‌اند. گفتنی است که «عبدالله العلی» از عالمان عرب در صفحات 180 به بعد کتاب «تاریخ الحسین (ع)» همین توجیه را روایت میکند، و جالب است که آن را مطابق با اصول بلاغت می‌داند. "عایشه بانویی بود که از سویی می‌خواست مثل سلمی - دختر مالک بن حذیفه فرازی - ملکه شود و کنیزان و غلامان، کمر بسته در برابرش صف کشند، و از سویی

^{۳۰} - جوادی آملی، عبدالله. زن در آئینه جلال و جمال، صص 340-342.